

زنان نامرئی

افشای سوگیری داده‌ها در دنیایی طراحی شده برای مردان

نشر
بهره

www.ketab.ir

INVISIBLE WOMEN

Copyright © Caroline Criado-Perez, 2019

All rights reserved.

Persian translation © Borj Books, 2020

Borj Books is a division of Housha Publication.

.....
نشر برج در پاریس، فرانسه، قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر
اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب
را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده‌ی
آن، Caroline Criado-Perez، خریداری کرده است.
انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی انحصاری ناشران و
مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و خلاق حرفه‌ای
نشر است.

سرشناسه: کریادو-پرث، کارولین، ۱۹۸۴-م.
 Criado-Perez, Caroline, 1984-
 عنوان و نام پدیدآور: زنان نامرئی، افشای سوگیری داده‌ها در دنیایی طراحی شده
 برای مردان / نویسنده کارولاین کریادو پرز؛ مترجم نرگس حسن‌لی.
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات برج، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۳۸۴ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۸۰-۰۵-۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی:
 Invisible women: data bias in a world designed for men.
 عنوان دیگر: افشای سوگیری داده‌ها در دنیایی طراحی شده برای مردان.
 موضوع: تبعیض جنسی علیه زنان
 موضوع: Sex discrimination against women
 موضوع: قلمرو مردان (ساختار اجتماعی)
 موضوع: Male domination (Social structure)
 موضوع: جریان‌سازی جنسیتی
 موضوع: Gender mainstreaming
 موضوع: تحقیق -- جنبه‌های اجتماعی
 موضوع: Research -- Social aspects
 موضوع: داده‌کاوی -- جنبه‌های اجتماعی
 موضوع: Data mining -- Social aspects
 موضوع: داده‌های بزرگ -- جنبه‌های اجتماعی
 موضوع: Big data -- Social aspects
 شناسه افزودن جنسیتی، نرگس، ۳۶۲، مترجم
 رده‌بندی کتاب: HQ۱۲۳۷
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۰۷۴

زنان نامرئی

افشای سوگیری داده‌ها در دنیایی طراحی شده برای مردان

نویسنده: کارولاین کریادو پرز

مترجم: نرگس حسن‌لی

ویراستار: نیما م. اشرفی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

صفحه‌آرا: نسیم نوریان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۸۰-۰۵-۰

نشر برج
 BORJ

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون

کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۸۸۹۹۸۶۲۲، تلفن: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

• همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر برج محفوظ است.

• نشر برج شاخه‌ی بزرگسال نشر هوپا است.

• هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در

قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.

فهرست

پیش‌گفتار	۱۱
مقدمه: مذکر پیش‌فرض	۱۶
بخش اول: زندگی روزمره	
فصل ۱: مگر می‌شود برف‌روبی هم جنسیت‌زده باشد؟	۴۲
فصل ۲: پیشاپدان‌های خنثاجنسیت	۶۰
بخش دوم: محل کار	
فصل ۳: جمعه‌ی طولانی	۱۲
فصل ۴: افسانه‌ی شایسته‌سالاری	۱۰۵
فصل ۵: اثر هنری هیگینز	۱۲۵
فصل ۶: آبی ارزشمند از یک لنگه‌کفش کمتر است	۱۴۲
بخش سوم: طبیعت	
فصل ۷: فرضیه‌ی گاواهن	۱۶۰
فصل ۸: یک اندازه برای مردان	۱۷۳
فصل ۹: دریایی از یاروها	۱۸۵
بخش چهارم: مراجعه به پزشک	
فصل ۱۰: داروها اثر نمی‌کنند	۲۱۰
فصل ۱۱: سندروم پنتل	۲۳۲
بخش پنجم: زیست عمومی	
فصل ۱۲: منبع بی‌هزینه‌ای برای استخراج	۲۵۲
فصل ۱۳: از کیف دستی تا کیف جیبی	۲۶۷
فصل ۱۴: حقوق زنان حقوق بشر است	۲۷۹

بخش ششم: وقتی اوضاع خراب می‌شود	
فصل ۱۵: چه کسی بازسازی خواهد کرد؟	۳۰۲
فصل ۱۶: این فاجعه نیست که تو را می‌کشد	۳۰۹
پس‌گفتار	۳۲۳
سیاسگزاری	۳۳۳
پی‌نوشت	۳۳۷
نمایه	۳۳۹

پیش گفتار

بیشتر تاریخ ثبت شده‌ی بشری یک شکاف اطلاعاتی عمیق است. در این تاریخ که با نظریه‌ی مرد شکارچی آغاز می‌شود، وقایع نگاران گذشته در فرگشت بشریت جای کمی برای نقش زنان، چه فرهنگی و چه زیست‌شناختی، نگاشته‌اند. در عوض از زندگی مردان برای بازنمایی کل انسان‌ها استفاده شده است. پس کار به زندگی نیم دیگر انسان‌ها می‌رسد، معمولاً چیزی جز سکوت وجود ندارد.

و این سکوت همه جا هست. کل فرهنگ ما سرشار از این سکوت‌هاست. فیلم‌ها، اخبار، ادبیات، علوم، طراحی شهری، اقتصاد. داستان‌هایی که در این گذشته، حال و آینده‌مان برای خودمان تعریف می‌کنیم. مشخصه‌ی -از شکل انسانی- تمام این‌ها «حضور غایب» زنانه است. مسئله شکاف جنسیتی داده‌ها است.

شکاف جنسیتی در داده‌ها فقط به سکوت ختم نمی‌شود. این سکوت‌ها، این شکاف‌ها، پیامدهایی دارند و هر روزه بر زندگی زنان تأثیر می‌گذارند. این تأثیر ممکن است نسبتاً جزئی باشد، مثلاً لِرْزیدن در دفتر کاری که برای دمای هنجارین مردانه تنظیم شده یا تقلا برای دست‌رساندن به طبقه‌ی بالایی کمدی که برای قد هنجارین

مردانه ساخته شده است. قطعاً آزاردهنده است. بی‌تردید ناعادلانه است.

اما این‌ها جان کسی را به خطر نمی‌اندازند. چون مثل تصادف در اتومبیلی نیستند که ویژگی‌های ایمنی‌اش ابعاد زنان را در نظر نگرفته است. مثل وقتی نیستند که حمله‌ی قلبی‌تان تشخیص داده نمی‌شود، چون نشانگان شما «نامعمول» محسوب می‌شود. پیامدهای زیستن در دنیایی که بر پایه‌ی داده‌های مردان ساخته شده مگرکن است برای چنین زنانی مرگ‌بار باشد.

یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باید درباره‌ی شکاف جنسیتی داده‌ها گفت این است که عموماً بدخواهانه یا حتی تعمدی نیست. کاملاً برعکس، صرفاً محصول شیوه‌ی انباشتن است که هزاران سال وجود داشته و در نتیجه شیوه‌ای برای نیندیشیدن است. هر نیندیشیدن مؤکد: مردان بدیهی به حساب می‌آیند و زنان اصلاً به حساب نمی‌آیند. چنین وقتی می‌گوییم انسان، در کل منظورمان مرد است. این موضوع جدیدی نیست. مشهورترین نمونه‌اش ادعای سیمون دوبووار است که سال ۱۹۴۹ نوشت: «بشریت مکرر است و مرد زن را نه در نسبت با خود زن، بلکه در نسبت با خودش تعریف می‌کند. زن موجود خودمختار به شمار نمی‌رود. [...] مرد سوژه است، او مطلق است؛ زن، دیگری است.»^[۱] موضوع جدید بستری است که در آن زنان همچنان «دیگری» هستند. و آن ستر دیابله است که بیش از پیش وابسته و بنده‌ی داده‌هاست: کلان داده، که به نوبه‌ی مردان نگاه می‌کند. هم‌های بزرگ و با استفاده از کامپیوترهای بزرگ به حقایق بزرگ منتهی می‌شود. ما وقتی کلان داده‌تان با سکوت‌های بزرگ تحریف شده باشد، حقایقی که به دست می‌آورید، بهترین حالت نیمه حقیقت هستند. و اغلب اوقات برای زنان اصلاً حقیقت نیستند. همان‌طور که خود دانشمندان علوم کامپیوتری می‌گویند: «ورودی چرت، خروجی چرت».

این بستر جدید نیاز به پرکردن این شکاف جنسیتی در داده‌ها را ضروری‌تر از همیشه می‌کند. همین هوش مصنوعی که در تشخیص بیماری به پزشکان یاری می‌رساند و سوابق شغلی را مرور می‌کند و حتی مصاحبه‌هایی با افراد جویای کار ترتیب می‌دهد حالا دیگر چیز رایجی شده است. اما هوش مصنوعی را با مجموعه‌ی داده‌هایی آموزش داده‌اند که پر از شکاف‌های اطلاعاتی است؛ و چون اغلب به‌خاطر مالکیت نرم‌افزاری، از الگوریتم‌ها حفاظت می‌شود، حتی نمی‌توانیم بفهمیم آیا این

شکاف‌ها در نظر گرفته شده‌اند یا نه. اما از شواهد موجود به نظر می‌رسد چنین مسئله‌ای در نظر گرفته نشده است.

اعداد، فناوری، الگوریتم‌ها، همه‌ی این‌ها نقش اساسی در داستان زنان نامرئی دارند. اما فقط نصف داستان را تعریف می‌کنند. داده فقط کلمه‌ی دیگری برای اطلاعات است و اطلاعات منابع بسیاری دارد. آمار نوعی اطلاعات است، بله، اما تجربه‌ی انسانی هم یکی از منابع است. بنابراین استدلال من این خواهد بود که وقتی داریم دنیایی طراحی می‌کنیم که قرار است برای همه مفید باشد، به حضور زنان هم احتیاج داریم. اگر تمام افرادی که برای همه‌ی ما تصمیم می‌گیرند مردان سفیدپوست را به نظر بدنی توانمند (و نه نفر از ده نفرشان، آمریکایی) باشند، این هم شکاف اطلاعاتی دیگری تولید می‌کند؛ به همان ترتیبی که جمع‌آوری نکردن اطلاعات درباره‌ی بدن زنانه در تحقیقات پزشکی شکافی اطلاعاتی است. و همان‌طور که نشان خواهیم داد، ننگانی چشم‌انداز زنان، محرک عظیمی برای سوگیری مذکر غیر عمدی است که (مثلاً با جنس نیت) می‌کوشد خود را «خنثاجنسیت» جا بزند. وقتی دوبار گفت که مردان دیده شده‌اند، دشوار را با حقیقت مطلق اشتباه می‌گیرند، منظور ش همین بود.

دغدغه‌های مختص زنان که مردان به حساب نمی‌آورند حوزه‌های بسیار متنوعی را در بر می‌گیرد. ولی در ادامه متوجه خواهید شد که سه مضمون تکرار می‌شود: بدن زنانه، مسئولیت مراقبتی بی‌مزد زنان و خشونت مذکر علیه زنان. این مسائل چنان اهمیتی دارند که سروکله‌شان تقریباً در تمام بخش‌های زندگی ما پیدا می‌شود و بر تجربیات ما از هر چیزی، از حمل و نقل عمومی گرفته تا سیاست، در محل کار و در اتاق عمل تأثیر می‌گذارد. اما مردان فراموششان می‌کنند، چرا که بدن زنانه ندارند. آن‌ها، همان‌طور که خواهیم دید، فقط کسری از کار بی‌مزد زنان را انجام می‌دهند. آن‌ها هم مجبورند با خشونت مذکر دست‌وپنجه نرم کنند، اما این خشونت به شیوه‌ای متفاوت با خشونت پیش روی زنان تجلی می‌یابد. پس این تفاوت‌ها همچنان نادیده گرفته می‌شوند و ما همچنان به نحوی پیش می‌رویم که انگار بدن مردانه و تجربه‌ی زیست متناظرش خنثاجنسیت است. این نوعی تبعیض علیه زنان است. در سراسر این کتاب ارجاعاتی به جنس و جنسیت دارم، منظور من از «جنس»

ویژگی‌های زیستی است که مشخص می‌کنند آیا افراد مذکرند یا مؤنث. XX و XY. منظورم از «جنسیت» معنای اجتماعی است که به این واقعیت‌های زیستی منتسب می‌کنیم؛ شیوه‌ای که با زنان به‌خاطر مؤنث پنداشته‌شدنشان رفتار می‌شود. یکی‌شان [جنسیت] ساخته‌ی دست انسان است، اما هر دو [جنس و جنسیت] واقعی هستند. و هر دو پیامدهای مهمی برای زنان دارند، چون این دنیای بدخته‌شده با داده‌های مردانه را هدایت می‌کنند.

اما اینکه هم از جنس حرف می‌زنم و هم از جنسیت، از شکاف جنسیتی در داده‌ها به‌عنوان یک عبارت فراگیر استفاده می‌کنم، چون دلیل حذف‌شدن زنان از این داده‌ها، جنس نیست، بلکه دلیلش جنسیت است. در توضیح علت پدیده‌ای که آسیب‌ها را زیاد می‌کند، زندگی بسیاری از زنان وارد می‌کند، می‌خواهم شفافیت به خرج بدهم؛ بر خلاف بسیاری از ادعاهایی که در صفحات پیش رو خواهید خواند، مشکل بدن زنانه نیست؛ بلکه این معنای اجتماعی‌ای است که ما به آن بدن منتسب می‌کنیم، و قصور در به‌حساب‌آوردن آن به‌نحوی اجتماعی تعین پیدا می‌کند.

زنان نامرئی داستانی درباره‌ی غیاب است. و همین گاهی نوشتن درمورد آن را دشوار می‌کند. اگر می‌گوییم در کل برای زنان شکاف اطلاعاتی وجود دارد (هم به‌خاطر اینکه در وهله‌ی اول داده‌ها را جمع‌آوری نمی‌کنیم و هم به این خاطر که وقتی جمع‌آوری می‌کنیم، معمولاً آن‌ها را برحسب سن تفکیک نمی‌کنیم)، وقتی پای زنان رنگین‌پوست، زنان توان‌خواه و زنان طبعی‌رنگ در میان باشد، عملاً داده‌ای وجود ندارد. نه اینکه داده‌ها صرفاً جمع‌آوری نشده باشند بلکه از داده‌های مردانه سوا نشده‌اند؛ همان چیزی که «داده‌های تفکیکی برحسب جنس» نامیده می‌شود. در آمارهای منتشر شده، از مشاغل دانشگاهی گرفته تا نقش‌های محوله در فیلم‌ها، داده‌هایی که از «زنان» و «اقلیت‌های قومی» ارائه می‌شود و همین‌طور داده‌های زنان اقلیت‌های قومی در هر گروه بزرگ‌تری گم می‌شوند. هر جا آماری بوده، من به آن اشاره کرده‌ام؛ اما به‌ندرت چنین آماری وجود داشته است.

هدف این کتاب روان‌کاوی نیست. من به عمیق‌ترین افکار کسانی که مرتکب شکاف جنسیتی داده‌ها می‌شوند دسترسی مستقیم ندارم و این یعنی این کتاب نمی‌تواند دلیلی غایی برای چرایی وجود شکاف جنسیتی داده‌ها ارائه دهد.

فقط می‌توانم داده‌ها را به شما عرضه کنم و از شما می‌خواهم نگاهی به شواهد بیندازید. این‌طور هم نیست که بخواهم بدانم آیا فردی که ابزاری با سوگیری مذکر تولید کرده، در خفا جنسیت‌زده بوده یا نه. انگیزه‌های شخصی تا حد زیادی بی‌اهمیت‌اند. الگوست که اهمیت دارد. این اهمیت دارد که با توجه به وزن داده‌هایی که ارائه خواهم داد، آیا معقول است نتیجه بگیریم که شکاف جنسیتی داده‌ها فقط یک اتفاق تصادفی بزرگ است یا نه.

است. لال. ن این است که معقول نیست. حرف من این است که شکاف جنسیتی داده‌ها هم علت و هم معلول شیوهی نیندیشیدنی است که فرض می‌گیرد بشریت تقریباً منحصرأً مذکر است. نشان خواهم داد که این سوگیری چقدر به تناوب و چقدر گسترده ظاهر می‌شود و چطور داده‌های به اصطلاح عینی را که بیش از پیش بر زندگی ما حکم می‌رانند تحریف می‌کند. نشان می‌دهم که حتی در این دنیای فوق‌عقلانی که در سیطره‌ی ابرکامپیوترها و فوق‌بی‌طرف است، زنان هنوز تا حد زیادی همان جنس دوم دوبرووار هستند و این به زنان در بهترین حالت، زیرگونه‌ی مردان فرض شوند، خطراتی در پی دارد که مثل همیشه واقعی است.